

بررسی فقهی نرخ ذخیره قانونی*

□ عبدالله انصاری**

□ عبدالحکیم رحیمی***

چکیده

بانک مرکزی، برای اجرای سیاست‌های پولی، ابزارهای گوناگونی در اختیار دارد. کاربرد این ابزارها در زمانه‌ها و زمینه‌های گوناگون، متفاوت بوده و انتخاب ابزار مناسب باید ناظر بر این شرایط باشد. نظارت بر حجم پول و تعیین میزان مناسب آن به‌طور معمول با ایجاد تغییراتی در پایه پولی، ضریب فزاینده پولی یا هر دو صورت گرفته و از رهگذر تغییر در نرخ ذخیره قانونی انجام می‌شود که در این مقاله از آن بحث می‌شود.

بر اساس قانون بانکی هر کشوری، بانک‌ها موظف‌اند درصدی از سپرده‌های دیداری و غیردیداری خود را به‌عنوان سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی به ودیعه‌گذارند. این ابزار، از دو جهت برای سیاست‌گذاران دارای اهمیت است. نخست آن‌که وسیله‌ای است جهت تامین امنیت بخشی از سپرده‌های مردم در نزد بانک‌ها و دوم به لحاظ اثرهای سریعی که تغییر در نرخ ذخیره قانونی بر حجم اعتبارات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی دارد، این ابزار به‌عنوان یکی از اهرم‌های مهم برای اجرای سیاست پولی، به‌منظور کنترل حجم تسهیلات اعتباری تلقی می‌گردد. **کلیدواژه‌ها:** ذخیره قانونی، فقه، بانکداری بدون ربا، سیاست اقتصادی، ابزار سیاست پولی.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۳/۳۰.

** دکتري علوم تربیتی جامعه المصطفی ص العالمیه (ansari1590@gmail.com).

*** فارغ التحصیل سطح چهار جامعه المصطفی ص العالمیه (ahrahimi@yahoo.com).

مقدمه

بانک‌های تجاری برابر قانون، وظیفه دارند درصدی از سپرده‌های مردم را به صورت ذخیره قانونی در بانک مرکزی نگه دارند و با بقیه سپرده‌ها به فعالیت‌های بانکی و گسترش حجم پول پردازند. بانک مرکزی از طریق تغییر در نرخ ذخیره قانونی قدرت وام‌دهی بانک‌های تجاری را کنترل می‌کند. هر چه نرخ ذخیره قانونی بیشتر باشد، گسترش حجم پول کم‌تر خواهد بود و هر قدر این نرخ کم‌تر باشد، قدرت پول آفرینی بانک‌ها بیشتر می‌شود؛ بنابراین، بانک مرکزی می‌تواند با تغییر نرخ ذخیره قانونی، ضریب فزاینده پولی و در نتیجه، حجم پول را تغییر دهد.

یکی از موضوعاتی که به طور معمول درباره نسبت سپرده‌های قانونی بحث می‌شود، مسئله پرداخت بهره به سپرده قانونی است. پیروان نظریه پرداخت بهره به سپرده‌های قانونی، اعتقاد دارند که این سپرده‌ها همانند اوراق قرضه، نوعی بدهی بخش دولتی به شمار می‌روند و باید به آن‌ها بهره‌ای مناسب تعلق گیرد. در مقابل، گروهی بر این عقیده‌اند، عدم پرداخت بهره به سپرده‌های قانونی، در حقیقت دریافت نوعی مالیات از سوی بانک مرکزی از بانک‌ها است که باید در کنار سیاست کلی مالیاتی مورد توجه قرار گیرد. یعنی از آنجاکه پس‌اندازکنندگان، از تسهیلات بانکی بهره‌مند می‌شوند و مالیاتی بابت آن نمی‌پردازند، عدم دریافت بهره، نوعی پرداخت مالیات غیرمستقیم از سوی صاحبان سپرده به شمار می‌آید. تفصیل آن در ادامه بحث مطرح خواهد شد.

در این فصل ضمن شناخت اقسام و اهداف سپرده‌های قانونی و تأثیر آن بر میزان نقدینگی در جامعه به طرح دیدگاه‌های گوناگون پیرامون سپرده‌های بانکی، ماهیت ذخایر قانونی در دو محور «ذخایر قانونی بر سپرده‌های دیداری و پس‌انداز» و «ذخایر قانونی بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری» پرداخته می‌شود.

انواع سپرده‌ها

سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی دو نوع‌اند:

۱. سپرده‌های آزاد: سپرده‌های آزاد، سپرده‌های است که بانک‌ها مثل سپرده‌های دیداری مردم، مقادیری از وجوه خود را نزد بانک مرکزی به ودیعه می‌گذارند.
۲. سپرده‌های قانونی: در این نوع سپرده‌گذاری بانک‌های تجاری موظف به نگاهداری نسبتی از سپرده‌های مردم نزد بانک مرکزی می‌باشند که گاهی در برابر آن بهره‌ای پرداخت می‌کنند و گاهی بهره پرداخت نمی‌شود و ما به تناسب نوع دوم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سپرده‌های بانکی

همان‌گونه که روشن شد مقصود از سپرده، وجوهی است که مردم با انگیزه‌های متفاوت به بانک می‌سپارند، تا هنگام نیاز بتوانند از آن استفاده کنند (حنفی، ۱۹۹۹: ۹۴؛ ارشید، ۱۴۲۷: ۳۱۷) از آنجاکه نرخ ذخیره قانونی می‌تواند همه سپرده‌ها را در برگیرد و در مقام اجرا نیز در کشورهای زیادی نسبت به سپرده‌های جاری و مدت‌دار اعمال می‌گردد، برای بررسی قابلیت به کارگیری این ابزار در نظام مبتنی بر حذف ربا، نخست باید ماهیت انواع سپرده‌ها بررسی گردد. اگرچه امروزه این سپرده‌ها تنوع زیادی پیدا کرده‌اند، لیکن در یک تقسیم کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند.

الف) سپرده پس‌انداز

سپرده پس‌انداز به سپرده‌ای گفته می‌شود که بر اساس توافق بین بانک و مشتری در اختیار بانک قرار گرفته و با تقاضای دریافت به وی برگردانده می‌شود (سمحان و مبارک، ۱۴۲۹: ۴۳؛ سراج، ۱۹۸۹: ۸۷). این سپرده‌ها قابلیت نقل و انتقال به شخص ثالث را نداشته و استفاده از آن فقط به وسیله صاحب سپرده امکان‌پذیر است و به همین جهت نسبت به سپرده‌های جاری از درجه نقدینگی پایین‌تری برخوردارند و جزء حجم پول به حساب نمی‌آیند.

در بانکداری ربوی، سپرده‌های پس‌انداز به‌طور عمده از طرف اشخاص حقیقی و خانوارها، به‌طور موقت و باهدف نگهداری پول برای هزینه‌های احتیاطی یا خرید کالاهای بادوام، برخوردار از امنیت برای دارایی، استفاده از بهره و سایر تسهیلاتی افتتاح می‌شوند

(عوض، ۱۹۶۹: ۱۷). بانک‌ها نیز برای تشویق مردم، به این نوع حساب‌ها بهره می‌پردازند، هرچند نرخ آن نسبت به نرخ بهره حساب‌های مدت دار و نرخ بهره وام و اعتبارات بانکی کمتر است (فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸: ۱۸۸).

ب) سپرده‌های دیداری

سپرده‌های دیداری سپرده جاری یا دیداری به سپرده‌ای اطلاق می‌گردد که صاحبان این سپرده‌ها در بانک می‌گذارند تا به مجرد درخواست، در اختیار آنان یا شخصی که در وجه او چک صادر می‌نمایند قرار گیرد (سمحان و مبارک، ۱۴۲۹: ۴۳). انگیزه گشایش این حساب به‌طور عمده تسهیل مبادلات می‌باشد و معمولاً هیچ‌گونه بهره‌ای به صاحبان این سپرده‌ها تعلق نمی‌گیرد (حنفی و قریاقض، ۱۹۹۹: ۹۶) و در مقابل خدمات انجام‌شده نیز کارمزدی دریافت نمی‌شود؛ لذا جزء ارزان‌ترین منابع مالی به حساب می‌آیند، به این جهت، بانک‌ها با ارائه خدمات حساب جاری و گسترش شعب بانکی، سعی در جذب هر چه بیشتر این نوع سپرده‌ها دارند. از ویژگی‌های بارز این‌گونه سپرده‌ها برخورداری از درجه نقدشوندگی بالا و انتقال وجه به وسیله حواله (چک)، به دیگری است (موسویان، تحقیق آماده چاپ).

ج) سپرده‌های مدت‌دار

سپرده‌های مدت‌دار یا ثابت عبارت است از وجوهی که اشخاص حقیقی یا مؤسسات حقوقی با انگیزه کسب درآمد به بانک می‌سپارند. در حقیقت این سپرده‌گذاری، قراردادی است بین بانک و مشتری که بر اساس آن مشتری مبلغ معینی وجه نقد را برای مدت‌زمان معین به بانک می‌سپارد و بانک نیز متعهد به استرداد اصل و بهره سپرده در سررسید معین می‌شود، بهره این نوع سپرده نسبت به سپرده پس‌انداز بیشتر است، البته با حفظ سپرده تا مهلت مقرر در بانک (سمحان و مبارک، ۱۹۹۹: ۴۶).

سپرده‌های ثابت نسبت به سپرده‌های جاری و پس‌انداز، هزینه بالایی را بر بانک‌ها تحمیل می‌کنند، ولی به جهت باثبات بودن آن‌ها، بانک‌ها می‌توانند بعد از کسر ذخیره قانونی

و با برنامه ریزی، آن‌ها را به صورت وام و اعتبار در اختیار متقاضیان قرار داده و بهره دریافت کنند. سپرده‌های مدت‌دار، خود به سپرده‌های کوتاه‌مدت سه‌ماهه، شش‌ماهه و یک‌ساله و میان‌مدت دو و سه‌ساله، بلندمدت چهار و پنج‌ساله تقسیم می‌شوند و به‌طور معمول هر چه سپرده بلندمدت‌تر باشد نرخ بهره سالانه آن نیز بیشتر خواهد شد (همان: ۵۰-۵۱).

با این مقدمه به بررسی ماهیت این سپرده‌ها از نظر فقهی می‌پردازیم.

اکنون لازم است به بررسی فقهی انواع سپرده‌ها از دیدگاه فقه و حقوق شیعه و امامیه پرداخته شود. برای دستیابی به این منظور نخست ماهیت فقهی و حقوقی آن مورد کنکاش و غور قرار می‌گیرد، سپس به جایگاه فقهی آن اشاره خواهد شد.

ماهیت فقهی سپرده‌های بانکی

علما و دانشمندان اسلامی در تبیین ماهیت فقهی سپرده‌های بانکی در بانکداری متعارف چند احتمال داده‌اند که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

۱. سپرده‌های بانکی قرض هستند (قانون التزمات و العقود المغربی، فصل ۷۸۳، بی تا: ۲۱۸؛ و لجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء، المعاملات المصرفیة، ۱۹۸۳: ۴۱؛ سالوس، ۱۹۸۳: ۱۴-۱۱). سپرده‌گذار، وجوه را به‌عنوان قرض در بانک می‌گذارد، بانک نیز متعهد به برگرداندن کل یا بخشی از بدهی عندالمطالبه، می‌شود.

ویژگی‌های قرض عبارت‌اند از:

۱. مال قرض داده‌شده به ملکیت قرض‌گیرنده در می‌آید؛

۲. قرض‌گیرنده متعهد به برگرداندن مثل یا قیمت مال است،

۳. حتی باوجود عین مال، قرض‌گیرنده تعهدی به پرداخت عین مال ندارد.

از ویژگی‌های سپرده‌های بانکی و قرارداد قرض درمی‌یابیم که ماهیت سپرده‌های بانکی همان ماهیت قرارداد قرض بوده و خصوصیات اصلی این دو قرارداد کاملاً بر هم منطبق هستند.

از آنجاکه غالب فقهای معاصر که ماهیت سپرده بانکی در بانکداری متعارف را قرض

می‌دانند، اگر شرط زیاده و بهره شود ربا و ممنوع خواهد بود (رساله مراجع تقلید، بخش معاملات بانکی؛ صدر، ۱۴۰۳: ۸۴).

۲. **سپرده‌ها ماهیت ودیعه را دارد؛** بر اساس این احتمال، سپرده‌گذار پول خود را به‌عنوان «ودیعه» در بانک سپرده‌گذاری می‌کند تا در صورت نیاز، کل یا بخشی از آن را برگرداند (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۲۹/۲؛ امامی، ۱۳۴۰: ۱۶۶؛ عبداللهی، ۱۳۷۱: ۲۹۴).

تفاوت اساسی بین ویژگی‌های سپرده‌های بانکی و ودیعه وجود دارد، در سپرده‌های بانکی، وجوه سپرده‌گذاری شده به ملکیت بانک درآمده از منابع بانک محسوب می‌شود و بانک هیچ تعهدی به برگرداندن عین اموال ندارد، بانک ضامن سپرده‌ها و متعهد به برگرداندن اموال سپرده‌گذاری شده تحت هر شرایطی مثل به سپرده‌گذاران هست.

از بیانات فوق چنین برمی‌آید که سپرده‌های بانکی نمی‌توانند ماهیت فقهی و حقوقی عقد ودیعه را داشته باشند. به نظر می‌رسد این تشابه اسمی به اعتبار دوران اولیه صرافی‌ها و بانکداران باشد، زمانی که افراد برای حفظ پول‌های خود (طلا و نقره)، آن‌ها را نزد صرافان مورد اعتماد ودیعه‌گذاری می‌کردند و هنگام نیاز آن‌ها را تحویل می‌گرفتند. اما با گسترش جوامع و تکامل معاملات بانکی و ابداع راه‌های به‌کارگیری سپرده‌ها، ماهیت حقوقی سپرده تحول یافت، هرچند اسم اولیه خود را حفظ کرد (عبداللهی، ۱۳۷۱: ۲۹۵).

برخی از حقوق دانان، سپرده بانکی را ودیعه ناقص دانسته که در آن، ودیعه‌پذیر مالک مال به ودیعه گذاشته شده می‌شود و ملزم به بازگرداندن مثل آن است (حسن، ۱۳۶۷: ۱۹۸).

در نقد این نظریه می‌توان گفت: اولاً، بانک مالک سپرده است هیچ الزامی به نگهداری مثل آن ندارد (فرزین‌وش و فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ۳۳). ثانیاً، شرط ضمن قرارداد به نگهداری وجوه باعث خروج از قرارداد قرض نمی‌شود (موسویان، درست چاپ، ۶۱). ثالثاً ویژگی‌های فوق از خصوصیات قرض بوده با صرف تغییر اسم نمی‌توان آن را قرارداد جدید تلقی کرد.

بنابراین، سپرده بانکی ودیعه ناقص نیست و برفرض که چنین باشد ودیعه ناقص چیزی جز قرض نخواهد بود.

۳. **سپرده‌ها به‌عنوان عاریه** (قانون التزامات و العقود المغربی، ۱۹۸۳: ۲۱۳)؛ سپرده‌گذار، پول

خود را نزد بانک عاریه می‌دهد تا از منافع استفاده کرده اصل آن را به او برگرداند.

۴. سپرده‌های بانکی اجاره‌اند: (سالوس، ۱۴۰۲: ۷) بدین صورت که سپرده‌گذار، پول خود را نزد بانک اجاره می‌دهد تا از آن استفاده کرده بعد از مدتی علاوه بر برگرداندن اصل آن، مقداری هم به‌عنوان اجاره به پرداخت شود. با دقت در مفهوم و ویژگی‌های اجاره ماهیت سپرده‌های بانکی روشن خواهد شد.

علامه حلی اجاره را چنین تعریف کرده است:

اجاره عقدی است که به‌موجب آن، منفعت یک مال به دیگری منتقل می‌شود (بروجردی، بی‌تا: ۹).

صاحب عروه در تعریف اجاره گفته است:

اجاره به ملکیت در آوردن کار یا منفعتی در مقابل عوض است (همان).
با مقایسه قراردادهای اجاره و سپرده‌گذاری تفاوت‌های آن‌ها آشکار خواهد شد. با چشم پوشی از سایر تفاوت‌های این دو قرارداد، دو تفاوت اساسی بین آن‌ها وجود دارد.
۱. در اجاره مال در ملکیت مالک اولیه خود باقی می‌ماند، ولی در سپرده‌گذاری ملکیت مال منتقل می‌شود و بانک حق هرگونه دخل و تصرفی در آن دارد.
۲. در اجاره در صورتی مستأجر در حفظ مال کوتاهی نکند ضامن عین مستأجره نخواهد بود، اما در سپرده به دنبال انتقال ملک، سپرده‌گیرنده، ضامن مثل آن است.
بنابراین، سپرده‌گذاری نمی‌تواند ماهیت فقهی و حقوقی اجاره را داشته باشد و سپرده‌گذاری در قالب اجاره نمی‌گنجد. در تداول عامه نیز کسی وجود ندارد که بگوید می‌خواهم پولم را در بانک اجاره بدهم.

تفاوت بین عاریه و سپرده بانکی به این است که در سپرده‌های بانکی، وجوه سپرده‌گذاری شده به ملکیت بانک درآمده از منابع بانک محسوب می‌شود و بانک هیچ تعهدی به برگرداندن عین اموال ندارد، برخلاف عاریه که بانک حق تصرف متلف را ندارد، هرگونه انتفاع منوط به بقاء عین بوده و عاریه‌گیرنده ضامن برگرداندن اصل مال است. در نتیجه سپرده‌های بانکی نمی‌توانند ماهیت فقهی و حقوقی عاریه را داشته باشند (عبداللهی، ۱۳۷۱: ۲۹۵).

۵. سپرده‌های بانکی قرارداد جدیداند؛ عده‌ای نیز با فرق گذاشتن بین قرض و وام‌های بانکی، سپرده‌ها را از نوع وام بانکی، به‌عنوان عقد جدیدی در قبال قرض قرار داده‌اند (سالوس، ۱۹۹۰: ۷ - ۸؛ سنهوری، ۱۹۵۲: ۵ / ۴۲۸). برخی تفاوت‌هایی شکلی بین سپرده‌های بانکی و قرض و پاره‌ی مسائلی حل نشده در این‌گونه قراردادهای بانکی، عده‌ای را بر آن داشته‌اند که راه‌حل را در قرارداد جدید بودن سپرده‌های بانکی با ویژگی‌های مخصوص به خود جست‌وجو کنند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. سپرده‌گذاران، قصد دادن قرض به بانک را ندارند.
۲. در قرض، ثروتمندان به نیازمندان قرض می‌دهند برخلاف سپرده‌های بانکی.
۳. برخی قوانین حقوقی حاکم بر سپرده‌های بانکی نظیر جبران ضرر ناشی از تأخیر در پرداخت بانک، با احکام قرض تطابق ندارد (کاشانی، ۱۳۷۶: ۱۰۰ - ۱۰۲؛ احمدی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۳۳۹).
در پاسخ باید گفت: اولاً، قاعده فقهی «العقود تابعة للقصد» ناظر به مفاد است نه الفاظ و عناوین. در قرارداد قرض نیز آنچه لازم است، قصد مفاد قرض، یعنی «تملیک مال به دیگری به قصد ضمان» خواهد بود (محقق، ۱۴۰۸: ۲ / ۶۷). سپرده‌گذار وجوه خود را به بانک تملیک می‌کند به این شرط که هر وقت خواست مثل آن را باز پس گیرد. بنابراین، سپرده‌گذار به‌طور دقیق مفاد قرارداد قرض را قصد کرده است هرچند از واژه و عنوان قرض غافل باشد.
ثانیاً، عقد قرض محدود به رفع نیاز طرف نیست. بنابراین، قرارداد قرض می‌تواند به انگیزه‌های مختلف صورت گیرد که قصد نیکوکاری یکی از آنهاست.
ثالثاً، قرارداد قرض قابلیت انواع شرط‌ها، ضمن قرارداد را دارد که قائل شدن شرایط در کیفیت پرداخت قرض و چگونگی به کارگیری مال قرض شده، از طرف قرض‌دهنده یا قرض‌گیرنده ماهیت قرض را به هم نمی‌زند.
بنابراین، انواع سپرده‌های بانکی در بانکداری متعارف اعم از سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدت‌دار همه ماهیت قرض دارند و اگر شرط زیاده (بهره) در آن‌ها شده باشد یا قرارداد بر اساس بهره و زیاده منعقد گردد مصداق قرض با بهره بوده از دیدگاه فقه اسلامی ربا و حرام است (امام خمینی، ۱۴۲۱: ۱ / ۶۰۱).

سپرده‌های مدت‌دار

از آنجاکه از ابتدا در قراردادی که تنظیم می‌شود، درصد مشخصی بهره برای آن در نظر گرفته می‌شود، سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌های ربوی به‌طور قطع قرض ربوی به‌شمار می‌روند و این از مصادیق بارز ربای قرضی است (فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸: ۱۹۹) ..

شهید صدر بایان این‌که سپرده‌هایی که بانک‌های غیر اسلامی دریافت می‌دارند، سپرده به مفهوم فقهی آن نیستند، اما این بدان معنا نیست که نتوان سودهای سپرده‌های بانکی را از حالت ربوی بودن بیرون آورد و چنین تصویری امکان‌پذیر نباشد (شهید صدر، ۱۴۰۳: ۲۱۰-۲۱۲). در نظام بانکداری بدون ربا، سپرده‌های ثابت از نظر تئوری با سه فرض زیر می‌تواند سازگاری داشته باشد:

۱. سپرده‌گذار، پول خود را به بانک قرض داده بانک می‌تواند در آن تصرف مالکانه نماید. با این معامله رابطه سپرده‌گذار با سپرده قطع شده و حق دریافت سود ندارد. اما پس از پایان دوره سپرده‌گذاری بدون توافق قبلی، اگر مبلغی از جانب بانک به او پرداخت شود، نه تنها ربا محسوب نمی‌گردد؛ بلکه مستحب نیز هست. البته چنین چیزی در سپرده‌های ثابت خصوصاً بلندمدت، به ندرت اتفاق می‌افتد.

۲. سپرده‌گذار پول خود را در بانک امانت‌گذاری کند. در این فرض بانک ضامن پول نمی‌باشد و نیز حق تصرف در آن را ندارد. اما در صورت جواز تصرف، افزون بر اینکه ضامن به عهده بانک منتقل می‌شود، منافع مال سپرده‌گذار خواهد بود.

۳. فرضی که سازگار با بانک‌های بدون ربا و اختصاص به سپرده‌های ثابت دارد، به کارگیری سپرده‌ها در بانک از طریق مضاربه، مشارکت و یا وکالت است، در این صورت بانک با کسری از سود به‌عنوان حق الوکاله یا مشارکت بقیة آن را به صاحب سپرده مسترد می‌کند.

در بانکداری بدون ربا، روش‌های مختلفی برای جذب سپرده‌های مردم و ارائه تسهیلات به آن‌ها وجود دارد. بانک می‌تواند به‌عنوان وکیل به جذب سپرده‌ها بپردازد و در قالب مضاربه، جعاله و حتی مشارکت در اختیار متقاضیان سرمایه قرار داده پس از کسر حق وکالت خود

باقیمانده سود را به نسبت بین سپرده‌گذاران تقسیم کند. خسارت احتمالی نیز می‌تواند از طریق بیمه سپرده‌ها توسط مؤسسه دیگری حل شود (فراهانی‌فرد، همان: ۲۰۳-۲۰۲).

ماهیت و حکم ذخایر قانونی

مطابق قانون سیاست‌های پولی، بانک مرکزی می‌تواند به تناسب مصالح اقتصادی، نرخ ذخیره قانونی را افزایش یا کاهش دهد تا از این طریق حجم پول را مدیریت نماید؛ سؤالی اینجا مطرح می‌شود این است که ماهیت فقهی سپرده قانونی چیست؟ یکی از شرایط صحت معامله، اختیار است. آیا بانک مرکزی می‌تواند بانک‌های تجاری را موظف و مجبور به چنین سپرده‌ای نماید؟ با توجه به زمان‌بر بودن برخی از ابزاهای سیاست پولی آیا بانک مرکزی می‌تواند هرزمان که بخواهد نسبت به تغییر نرخ ذخیره قانونی اقدام نماید؟ آیا بانک مرکزی باید سودی برای این اندوخته‌ها به بانک‌ها پردازد؟

با توجه به ماهیت سپرده‌های مردم نزد بانک‌های تجاری، چند حالت برای سپرده قانونی قابل تصور است.

الف) ذخایر قانونی بر سپرده‌های پس‌انداز و دیداری

با روشن شدن ماهیت سپرده‌ها، به بررسی ذخایر قانونی بر این سپرده‌ها از دیدگاه امامیه می‌پردازیم.

بر اساس بانکداری متعارف، ماهیت سپرده قانونی بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی همان ماهیت سپرده مردم نزد بانک‌های تجاری است و مانند سپرده‌های معمولی ماهیت قرض دارد که با سپرده‌گذاری، سپرده‌ها به ملکیت بانک مرکزی در می‌آید و بانک مرکزی حق هر نوع تصرفی در آن‌ها را دارد. بانک مرکزی می‌تواند این سپرده‌ها را در صندوق ذخیره کند، یا به صورت وام در اختیار برخی بانک‌ها بگذارد و می‌تواند در عملیات تنزیل مجدد استفاده کند (همان).

بنابراین در صورتی که بانک مرکزی در برابر سپرده‌ها سودی در نظر نگیرد؛ می‌تواند

مصدقاً قرض بدون بهره قرار گیرد و مشکل شرعی نخواهد داشت. اما اگر به این سپرده‌ها سود پرداخته شود، می‌توان بانک‌ها را به بانک‌های دولتی و بانک‌های خصوصی تقسیم کرد که حکم این دو متفاوت‌اند.

۱. بانک‌های دولتی سپرده‌پذیر

در این بخش، ماهیت ذخایر قانونی بر سپرده‌های دیداری و پس‌انداز بر دو مبنای قرض و ودیعه قابل بررسی است.

الف) سپرده‌های دیداری و پس‌انداز به‌عنوان قرض: در این صورت با سپرده‌گذاری مردم، وجوه سپرده‌گذاری شده به ملکیت بانک دولتی و در واقع دولت در می‌آید و زمانی که بانک دولتی نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری می‌کند به منزله آن است که فردی از یک فعالیت اقتصادی خودش به فعالیت دیگرش پول می‌دهد و از فعالیت دوم بهره‌ای دریافت می‌کند. روشن است که در این صورت پرداخت زیاده از مصادیق قرض ربوی نخواهد بود و در واقع اصلاً قرض نخواهد بود بلکه صرفاً انتقال دارایی از محلی به محلی دیگر و از فعالیتی به فعالیت دیگر است (فراهانی فرد، ۱۳۸۶: ۲۶۷-۲۶۸).

بنابراین، الزام بانک‌ها، به نگهداری نسبتی از سپرده‌های خود نزد بانک مرکزی مانع شرعی نخواهد داشت؛ زیرا این به مفهوم انتقال پول از یک حساب به حساب دیگر بوده و پرداخت سود بابت این ذخایر نیز از جانب بانک مرکزی به بانک دولتی اشکال ندارد.

۲. سپرده‌های بانکی به‌عنوان ودیعه یا عاریه: از آنجاکه در این صورت سپرده‌ها به ملکیت بانک دولتی در نمی‌آید، انتقال بخشی از آن‌ها تحت عنوان ذخایر قانونی نیازمند اجازه صاحبان سپرده است. این در صورتی است که بانک مجاز به تصرف در بقیه آن باشد، در غیر این صورت تمام آن در قالب ذخیره در بانک باقی می‌ماند و نیاز به ذخیره قانونی نیست. اگر بانک مرکزی این سپرده‌ها را سرمایه‌گذاری کند (چاپرا، ۱۴۰۴: ۲۲). چنان‌که در توافق اولیه بانک و سپرده‌گذار، درصدی که بانک مرکزی به‌عنوان ذخیره قانونی دریافت می‌کند، به‌صورت قرض تلقی گردد، سود حاصل از سرمایه‌گذاری آن‌ها توسط بانک مرکزی،

به خود او تعلق دارد، در غیر این صورت باید پس از کسر هزینه‌ها، سود به سپرده‌گذار داده شود؛ مگر آنکه از باب مالیات، در جهت منافع عمومی به مصرف برسد. راه دیگری که برای این موضوع می‌توان در نظر گرفت این است که بانک‌ها متناسب با این سپرده‌ها، بخشی از دارایی‌های خود را به بانک مرکزی منتقل نمایند (فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸: ۲۰۲).

۲. بانک‌های خصوصی سپرده‌پذیر

در بانک‌های خصوصی درباره سپرده‌های دیداری و پس‌انداز نیز همان دو فرض پیشین مطرح است:

۱. **سپرده‌ها قرض باشد:** با این وصف، بانک خصوصی مالک آن‌ها شده، در انتقال بخشی از آن‌ها به‌عنوان ذخیره قانونی به بانک مرکزی، رضایت بانک شرط هست که ممکن است از ناحیه درج در آیین‌نامه تأسیس بانک‌های خصوصی از سوی بانک مرکزی در مقابل حمایتی که از آن‌ها می‌کند، انجام شود. عمل‌کرد بانک مرکزی نیز می‌تواند تعیین‌کننده ماهیت این سپرده‌ها باشد؛ همان‌گونه که در مرحله کاربست نیز با تصریح قانون مشخص می‌گردد. این ذخایر با راکد ماندن در صندوق بانک مرکزی، ماهیت قرض یا ودیعه را به خود می‌گیرد. اما در صورت استفاده از آن‌ها، ماهیت قرض، عاریه، مضاربه و یا مشارکت پیدا می‌کنند که در برخی صور بخشی از منافع باید به بانک برگردد. در صورت قرض بودن سپرده‌ها، بانک‌ها چیزی به سپرده‌گذاران نمی‌پردازند؛ زیرا بانک خصوصی ماهیت مستقل از بانک مرکزی دارد و بانک خصوصی، مالک سپرده‌های مردم می‌شود. با ذخیره آنچه در بانک خصوصی سرمایه‌گذاری شده نزد بانک مرکزی، بانک مرکزی آن را مالک خواهد شد که پرداخت هر نوع زیاده و بهره، مصداق ربا بوده و از نظر اسلام ممنوع است.

۲. **سپرده‌ها امانت باشد:** در این صورت بانک خصوصی نمی‌تواند سپرده‌ها را به بانک مرکزی قرض دهد؛ مگر آنکه از ابتدا به‌صورت شرط ضمن عقد به‌عنوان آیین‌نامه کلی شرط شود. اگر سپرده‌ها را به‌صورت مضاربه و... در اختیار بانک مرکزی قرار دهد، منافع آن با احتساب مخارج به سپرده‌گذار تعلق می‌گیرد (همان: ۲۰۵).

ب) ذخیره قانونی بر سپرده‌های مدت‌دار

در بسیاری از کشورها بانک‌ها ملزم به تحویل نسبتی از سپرده‌های مدت‌دار نیز به بانک مرکزی می‌باشند.

همان‌گونه بیان شد رابطه بانک و سپرده‌گذاران به شکل‌های قرض، امانت و وکالت قابل تصور است که حکم فقهی صورت اول و دوم با بحثی که درباره سپرده‌های دیداری شد آشکار می‌گردد. اما صورت سوم نیز قابل تصویر است و آن اینکه بانک وکیل سپرده‌گذاران شود، این مشکل با گرفتن اجازه از سپرده‌گذار در ابتدا، قابل حل است. در این صورت بانک خصوصی از جانب سپرده‌گذار یا این ذخایر را به بانک مرکزی قرض می‌دهد و یا در آنجا امانت می‌گذارد و یا به صورت مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهد.

سود حاصل از این سپرده‌گذاری، به سپرده‌گذار اختصاص دارد و بانک‌ها، تنها حق الوکاله دریافت می‌کنند. این احتمال نیز وجود دارد که بانک مرکزی این سود را به‌عنوان مالیات قلمداد کند. چنانچه بانک به‌عنوان شریک وارد عمل شود، می‌تواند به دو صورت عمل نماید:

۱. هنگام تنظیم قرارداد با سپرده‌گذار توافق کنند که بخشی از سرمایه او به‌عنوان قرض یا امانت و یا مضاربه و... به بانک مرکزی داده می‌شود. در صورت مضاربه و... سودی که از سوی بانک مرکزی پرداخت می‌شود، طبق قرارداد بین بانک و سپرده‌گذار تقسیم می‌شود؛ اما اعمال سیاست پولی از آن طریق مشکل است؛ زیرا پولی را که بانک مرکزی به‌عنوان مضاربه یا مشارکت می‌گیرد، باید به کار اندازد. درحالی‌که گاهی سیاست انقباضی، می‌طلبد که ذخایر نگهداری شود. مگر آنکه بانک مرکزی چنین وکالتی را هم از بانک‌ها نسبت به نحوه به‌کارگیری ذخایر بگیرد. این مشکل نسبت به ذخایر قانونی بر سپرده‌های دیداری نیز - بفرض مضاربه بودن آن‌ها - وجود دارد.

۲. راه دیگر این است که بانک از ذخایر خود بخشی را به بانک مرکزی منتقل نموده، تمامی سپرده‌ها را در موضوع قرارداد به کار گیرد.

در حکم ذخایر سپرده‌های مدت‌دار نیز همانند سپرده‌های دیداری، مسئله خصوصی یا دولتی بودن بانک‌ها، در برخی فروض تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند که این مسئله از مطالبی که در بخش سپرده‌های دیداری و پس‌انداز صورت گرفت روشن می‌شود (همان، ۲۰۷).

اما در جواب سؤالی که آیا بانک مرکزی می‌تواند بانک‌های تجاری را موظف به داشتن چنین سپرده‌ای نماید؟ می‌توان گفت: بانک مرکزی به‌عنوان مسئول تنظیم بخش پولی و بانکی دولت اسلامی، مسئولیت دارد متناسب با مصالح و منافع عمومی به وضع مقررات و تغییر آن‌ها اقدام کند، بنابراین همان‌طور که مجاز است برای رعایت امنیت سپرده‌ها، بانک‌های تجاری را موظف به نگهداری سپرده قانونی کند می‌تواند در مواقع نیاز متناسب با مصالح کشور نرخ سپرده قانونی را کاهش یا افزایش دهد (موسویان، آماده چاپ: ۱۷۹)..

با توجه به زمان‌بر بودن برخی از ابزارهای سیاست پولی آیا بانک مرکزی می‌تواند طبق صلاح‌دید خود دست به تغییر نرخ ذخیره قانونی بزند؟ ممکن است در پاسخ گفته شود، بانک مرکزی به‌عنوان نماینده و عامل دولت حق نظارت، کنترل، مدیریت و هدایت نظام بانکی را به عهده‌دار از این‌رو، الزام بانک‌های تجاری مبنی بر نگهداری سپرده قانونی و پیروی آن‌ها نرخ‌های مصوب از سوی مراجع قانون‌گذار با پیشنهاد بانک مرکزی پشتوانه قانونی پیدا کرده در نتیجه هر بانک تجاری بر اساس قوانین بانکی کشور، مجوز فعالیت خود را از بانک مرکزی می‌گیرد و متعهد به نگهداری سپرده قانونی بر اساس نرخ‌های تعیین شده از سوی بانک مرکزی است (همان).

ذخایر قانونی از دیدگاه علمای اهل سنت

از تتبع در منابع فقهی چنین برمی‌آید که فقهای حنفی به‌طور خاص درباره این ابزار بحث نکرده‌اند ولی اقتصاددانان آن‌ها به بررسی آن پرداخته‌اند و ما در اینجا دیدگاه آنان را مطرح می‌کنیم البته می‌توان گفت بر اساس مبانی فقه حنفی ممکن است اشکال نداشته باشد.

در کل، فقهای اهل سنت چهار دیدگاه را درباره ذخیره قانونی مطرح کرده‌اند که نخست به طرح هریک و آنگاه به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف) عدم لزوم نگهداری ذخیره قانونی

برخی از اقتصادپژوهان نظیر یوسف کمال محمد، بر این باورند که در بانکداری بدون ربا، نگهداری ذخایر قانونی لازم نیست؛ کنترل حجم اعتبارات به وسیله بانک مرکزی از طریق تغییر پایه پولی ضرورتی ندارد (کمال، ۱۹۹۳: ۳۹۱-۴۰۰).

کنترل کامل پایه پولی، حجم پول از سوی بانک مرکزی به مقدار ارتباط پایه پولی به ذخایر بانکها و ارتباط بین ذخایر بانکها با عرضه پول بستگی دارد (همان) و پایه پولی به وسیله بانک مرکزی تعیین می شود.

ترکمانی نیز بر این باور است که از آنجاکه در اقتصاد اسلامی، بانکها - از بانکهای تجاری یا صندوق زکات - حق ندارند بیش از اموالی که در اختیار دارند، قرض دهند؛ استفاده از ذخیره قانونی را به عنوان ابزار سیاست پولی جایز نمی داند؛ زیرا؛ تنها سپردههای دیداری اند که می توانند برای نقدینگی اقتصاد مشکل ساز باشند که به جهت محدودیت‌هایی (تشریح زکات و حرمت کنز) که در اسلام برای نگهداری آنها وضع شده رقم بسیار پایینی از سپردهها را تشکیل می دهند و بخش کلان آنها به صورت سپرده سرمایه‌گذاری بروز می یابد. بنابراین، از نظر وی در بانکداری بدون ربا و بدون ربا، به استفاده از این ابزار نیازی نیست (ترکمانی، ۱۹۸۸: ۲۷۰-۲۷۳).

حقیقت سپردههای دیداری، خلاف نظر او را نشان می دهد؛ زیرا امروزه، حجم فراوانی از سپردهها در حساب جاری بانکها قرار دارد. به علاوه، در سپردههای سرمایه‌گذاری نیز شرط بهره‌مندی از مزایای حساب سپرده، ماندن وجه تا مدت مشخصی نزد بانک است؛ سپرده‌گذاران با هزینه صرف نظر از سود حاصل از سپرده، می توانند وجوه را از حساب خارج کنند و گاهی، در چنین شرایطی با این‌گونه سپردهها، به صورت سپرده کوتاه‌مدت معامله می شود؛ لذا نگهداری ذخیره قانونی برای این‌گونه سپردهها نیز ضروری می نماید (فرزین‌وش و فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ۲۴).

ب) لزوم نگهداری صددرصد ذخایر برای سپردههای جاری

برخی از اقتصاددانان، نگهداری صددرصد ذخایر قانونی برای سپردههای جاری را لازم

می‌دانند (قحف، ۱۹۷۹: ۱۵۵؛ جارحی، ۱۹۸۰: ۹۶؛ محسن‌خان، ۱۳۷۰: ۶۹ و ۷۰). محسن‌خان، نگهداری صددرصد ذخیره قانونی برای سپرده‌های جاری را تجویز می‌کند و درباره سپرده‌های سرمایه‌گذاری ذخیره قانونی را لازم نمی‌داند. برای اثبات از این مدعا به وجوه متعددی استدلال شده است (حسنی، ۱۹۹۶: ۱۷۳ و ۱۷۴).

۱. امانت بودن سپرده‌ها: برخی معتقدند: سپرده‌های جاری نزد بانک امانت است و شرعاً تصرف در آن جایز نیست (ضیاء مجید، ۱۹۹۷: ۶۰-۶۳).

در جواب این قول باید گفت: همان‌گونه گفته شد غالب فقها معتقدند سپرده‌های جاری قرض بوده و بانک، مالک آن‌ها است؛ بنابراین، تصرف در آن‌ها شرعاً اشکالی ندارد.

۲. تأمین امنیت سپرده‌ها: نگهداری صددرصد ذخیره در خود بانک تجاری یا در بانک مرکزی، امنیت کامل سپرده‌ها را در برابر احتمال هجوم سپرده‌گذاران به بانک در مواقع بحرانی تأمین می‌کند.

در مورد این قول باید یادآور شد، امروزه از راه‌های دیگر نظیر بیمه، و نیز عدم افراط در اعطای تسهیلات، می‌توان امنیت سپرده‌ها را تأمین کرد. به طوری که با محاسبه دقیق، مقدار لازم موجودی نقد را تخمین زده، برای احتیاط، مقداری بیش از آن را نگه دارد و در مواقع بحرانی در صورت هجوم سپرده‌گذاران با پشتیبانی بانک مرکزی تقاضای آنان را پاسخ گوید و امنیت سپرده‌ها را تأمین کند؛ بنابراین، بانک شایسته است به جای راکد نگهداشتن سپرده‌ها، بخشی از آن را در جهت رشد و توسعه کشور سرمایه‌گذاری کند (میرمغزی، ۱۳۸۴: ۵۵).

۳. کنترل عرضه پول: در صورت نگهداری صددرصد ذخیره قانونی، پایه پولی و حجم پول برابر و ضریب افزایش پولی برابر واحد می‌شود. بدین ترتیب، تأثیر بانک‌ها و مردم بر عرضه پول از بین می‌رود و عرضه پول تحت اختیار کامل بانک مرکزی قرار می‌گیرد. بانک مرکزی می‌تواند بر اساس نیاز اقتصاد، حجم پول را از طریق پایه پولی دقیقاً کنترل کند. برخی همچون رفیق یونس المصری می‌نویسد: فقها و برخی اقتصاددانان معتقدند: عرضه پول باید در کنترل و انحصار کامل دولت باشد و مردم یا بانک‌ها نباید هیچ نقشی در تعیین

آن داشته باشند (مصری، ۱۴۲۱: ۱۹۸).

وی در کتاب الاسلام و النقود، نظر فقهای اهل تسنن را درباره این وظیفه به تفصیل نقل کرده، در پایان می‌گوید:

از آنجاکه افزایش یا کاهش عرضه پول، تأثیر اساسی بر کل اقتصاد دارد و بانک‌ها و افراد تنها به منافع خود می‌اندیشند، از نظر علما دولت به‌عنوان حافظ مصالح عمومی وظیفه چاپ و نشر پول را به عهد خواهد داشت. بنابراین، برای جلوگیری از دخالت بانک‌ها و مردم در عرضه پول، هیچ راهی جز الزام به نگهداری صددرصد ذخایر قانونی به نظر نمی‌رسد (همان: ۱۸۷).

ناصر الغریب تورم را گاهی برای رشد اقتصادی لازم می‌داند و در پاسخ به اظهارات فوق می‌گوید:

وجود سازوکار خلق پول اعتباری به وسیله بانک‌ها گاهی نه‌تنها مطلوب، بلکه لازم است چنان‌که تورم در برخی مواقع مطلوبیت دارد. مهم آن است که تورم تا حدودی نزدیک به نرخ باشد که برای نشاط و فعالیت اقتصادی جامعه در نظر گرفته‌شده است (غریب، ۱۴۱۷: ۱۰۰).

مشکل این است که با وجود سازوکار خلق پول به وسیله بانک‌ها، بانک مرکزی توان لازم برای کنترل عرضه و نگهداری پول در حدی لازم نشاط اقتصادی را ندارد (میرمعزی، ۱۳۸۴: ۵۶). از بیانات وی که گفته تورم باید نزدیک به نرخ نشاط‌آور در عرصه اقتصادی باشد، استنباط می‌شود که بانک مرکزی می‌تواند در شرایطی لازم از خلق پول و تورم آسیب‌زا جلوگیری نماید.

آن‌ها در پاسخ به اینکه در این صورت، بانک مرکزی نیز یکی از ابزارهای مؤثر خود را در تعیین حجم پول از دست می‌دهد؛ می‌گویند: بانک مرکزی می‌تواند با ایجاد تغییر پایه پولی، در عرضه پول تغییرات لازم را به وجود آورد.

از نظر ایشان نگهداری صددرصد ذخیره قانونی در شرایط ذیل لازم به نظر می‌رسد:

۱. کنترل کامل عرضه پول به وسیله بانک مرکزی لازم باشد؛

۲. این کار جز از طریق نگهداری صددرصد ذخایر قانونی ممکن نباشد؛

۳. مفاسد این کار بیش از منافع کنترل کامل عرضه پول نباشد (همان: ۵۷).

بدیهی است، کنترل کامل عرضه پول به وسیله نهاد حافظ منافع عمومی، لازم به نظر می‌رسد؛ زیرا تغییرات عرضه پول می‌تواند در ارزش ثروت‌ها و بدهی‌های مردم تغییر ایجاد کرده، موجبات کاهش یا افزایش قدرت خرید پول آنان را فراهم آورد؛ بنابراین، تا زمانی که مصلحت اقتضا نکند، نباید نظامی را پدید آورد که در آن، افراد و نهادهایی به طبق منافع شخصی بتوانند حجم پول را تغییر دهند؛ با وجود اینکه کنترل به نسبت کامل عرضه پول از دیگر راه‌ها نیز قابل اجرا است. در سیستم جزئی نرخ ذخیره قانونی، بانک‌ها از طریق تأثیر بر نرخ ذخیره مازاد، بر حجم پول تأثیر می‌گذارند. از این رو، بانک مرکزی می‌تواند با تعیین حداقل و حداکثر برای نرخ ذخیره مازاد بانک‌ها، عرضه پول را مدیریت کند. افزون بر این، نگهداری صددرصد ذخیره قانونی به مفهوم راکد نگهداشتن بخشی از پول جامعه و جلوگیری برخورداری جامعه از منافع گردش آن است که سبب می‌شود بانک نتواند نقش خود را در تجهیز و تخصیص منابع به درستی ایفا کند.

۴. کمک به ثبات اقتصادی: غسان قلعاوی برای نفی نرخ ذخیره قانونی در اقتصاد اسلامی به استدلال فریدمن استناد می‌کند که معتقد است صرف وجود ذخایر قانونی به بیشتر شدن شدت سیکل‌های اقتصادی کمک می‌کند. در آغاز وضعیت رکود، سپرده‌های اولیه کاهش می‌یابد. این امر در ادامه به کاهش حجم سپرده‌های مشتقه به تناسب نرخ ذخیره قانونی انجامیده، باعث کاهش شدید پول می‌شود. در حالی که در وضعیت رکود، برای نشاط فعالیت‌های اقتصادی نیازمند افزایش پول هستیم. عکس این مسئله در حالت رونق اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، نگهداری ذخیره قانونی به مقدار صددرصد از تعمیق نوسانات و سیکل‌های اقتصادی جلوگیری کرده، به ثبات اقتصادی کمک می‌کند (Friedman, 1959, P,71-73).
به نقل از قلعاوی، همان: ۱۷۳ و ۱۷۴).

استفاده از این استدلال در اقتصاد اسلامی که در آن بهره و بازار اوراق قرضه وجود ندارد و با سیکل‌های اقتصادی مواجه نمی‌شود، درست نیست (یوسف کمال، ۱۴۱۴: ۳۹۱-۴۰۰).

۵. کمک به تحقق عدالت اقتصادی: اموالی که به شکل سپرده‌های دیداری یا

حساب‌های جاری نزد بانک‌ها جمع می‌شود، ملک مردم است و بانک‌ها برای این اموال، سودی نمی‌پردازند؛ بنابراین، یا باید با نگهداری صددرصد ذخیره قانونی بانک‌ها از سود ناشی از خلق پول محروم شوند یا با شروطی به آنان اجازه خلق پول داده شود تا دو امر تضمین گردد:

۱. خلق سپرده‌های مشتقه با نیاز اقتصاد داخلی سازگار بوده، به تورّم نیانجامد؛
۲. سودهای ناشی از خلق این سپرده‌ها به همه مردم برگردد، نه به یک گروه خاص (قلعوی، ۱۹۹۶: ۱۷۴).

معیار عدالت به مفهوم «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه» از اصول ثابت اسلامی است که در اقتصاد به شکل توزیع عادلانه درآمد و ثروت تبلور می‌یابد؛ ولی تحقق آن تنها به روش نگهداری صددرصد ذخایر قانونی محدود نمی‌شود؛ بلکه از طریق طرح‌های گوناگون در بانکداری قابل تحقق است. افزون بر این، فرض اینکه سپرده‌های حساب جاری و دیداری ملک مردم است، با فرض اینکه سپرده‌ها به صورت قرض بدون بهره در اختیار بانک‌ها قرار می‌گیرد، سازگاری ندارد (میرمعزی، ۱۳۸۴: ۵۸).

ج) سیستم نسبت ذخیره قانونی جزئی

برخی دیگر از اقتصاددانان مسلمان، نگهداری ذخایر قانونی در بانکداری بدون ربا را همانند بانکداری سنتی لازم می‌دانند؛ زیرا دلایلی که نگهداری ذخایر قانونی را در بانکداری ربوی توجیه می‌کنند (امنیت سپرده‌ها و کنترل حجم پول)، در بانکداری بدون ربا نیز وجود دارد و تفاوت‌های موجود بین دو نظام، سبب نفی ذخایر قانونی نمی‌شود. این گروه دو دسته‌اند؛ برخی از نظر قانونی هیچ فرقی بین بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا در نرخ ذخیره قائل نیستند (عفر، ۱۹۸۰: ۱۳۴ به نقل از الغریب، ۹۶؛ Siddiqi, 1983; P. 50).

ولی برخی دیگر معتقدند که نرخ ذخیره‌های قانونی در سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانکداری بدون ربا باید کمتر از این نرخ در بانکداری سنتی باشد (غریب، ۱۴۱۷: ۹۵، ۹۶ و ۹۸)؛ زیرا بین آن‌ها دو تفاوت اساسی وجود دارد:

۱. حجم سپرده‌های جاری در مقایسه با کل سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا کمتر از بانکداری سنتی است و مسئله در غیرسپرده‌های جاری برعکس است؛

۲. تأمین مالی اسلامی دارای مشخصاتی از قبیل ماهیت کالایی و عینی داشتن، توازن بین جریان‌ات نقدی و کالایی از جهت حجم، زمان و جهت، تأثیرپذیری از نتایج فعلی سرمایه‌گذاری از نظر سود و ضرر است و این مشخصات در تأمین مالی سنتی یا اصلاً وجود ندارد یا به نحو ضعیف‌تر است. این دو فرق سبب کاهش درجه نقدینگی این سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا می‌شود؛ از این رو، لازم است نرخ ذخیره قانونی کمتر باشد (همان).

با نگرش سازوکار خلق اعتبار به دو نظام بانکداری ربوی و بانکداری بدون ربا، این سخن درست به نظر می‌رسد؛ ولی برای داوری درباره‌ی ذخایر قانونی، باید مبانی مکتبی و ارزشی نیز لحاظ شود و با توجه به مبانی مزبور سخن فوق درست نیست. مصالح عمومی و عدالت توزیعی، از مفاهیم تعیین‌کننده در این بحث است؛ زیرا مسئله ذخایر قانونی و عرضه پول در جامعه، ارتباط مستقیم باهم دارند. نگهداری ذخایر قانونی به کمتر از صددرصد باعث اثرگذاری تصمیم‌های بانک‌ها و مردم، افزون بر تصمیم‌های دولت، بر عرضه پول می‌گردد. پیامد کاهش ذخایر قانونی افزایش عرضه پول و افزایش عرضه پول چنانچه با نیازهای اقتصاد واقعی متناسب نباشد، سبب تورم و تغییر توزیع درآمد و ثروت در جامعه است. درحالی‌که خدماتی که به مردم ارائه می‌شود بسیار ناچیزتر از سودی است که در اثر خلق اعتبار نصیب بانک‌ها هست. رفیق المصری در این‌باره می‌گوید: تجویز تأسیس بانک به فرد یا شرکت به دلیل سود کلانی که از این ناحیه به دست می‌آید، امتیاز بزرگی است؛ همین ویژگی برخی از دانشمندان را به پیشنهاد منع بانک‌های تجاری از خلق پول با ذخیره قانونی صددرصد، یا ملی کردن بانک‌ها یا لزوم اشتراک مردم در سود خلق پول یا اختصاص یافتن این سود به همه مردم وا داشته است (مصری، ۱۴۲۱: ۱۴۹).

د) سیستم نسبت ذخیره قانونی جزئی ویژه

در مسئله خلق پول به وسیله بانک‌ها از طریق سازوکار نرخ ذخیره قانونی کمتر از صددرصد، باید مصالح عمومی و ملاحظات مربوط به عدالت توزیعی رعایت شود. عمر شابرآ با در نظر گرفتن این ملاحظات، طرح جدیدی را برای منابع بانک‌های تجاری پیشنهاد می‌کند و آن اینکه «تصور اقتصاد اسلامی بدون اخلاق فردی و اجتماعی اسلام و بدون تعاون و نظام همکاری برخاسته از اخوت اسلامی و بدون عدالت و رفع ظلم ممکن نیست» (شابرآ، ۱۴۰۱: ۱۰۹). ایشان در ادامه می‌گویند: بانک‌های تجاری به دو شرط می‌توانند به خلق از راه سپرده‌ها پردازند:

۱. اتخاذ تدابیر مناسب برای تضمین خلق سپرده‌های مشتقه مطابق با نیازهای اقتصاد مالی غیرتورمی؛

۲. این که سود ناشی از سپرده‌های مشتقه به مصرف کل جامعه برسد، نه به صاحبان نفوذ (همان: ۲۱۲ و ۲۱۱).

از نظر او سپرده‌های سرمایه‌گذاری به منزله سرمایه بانک شمرده می‌شود؛ همان‌گونه که برای سایر اشکال سرمایه نگهداری ذخیره قانونی لازم نیست، نسبت این شکل از سرمایه هم دلیلی برای نگهداری ذخیره قانونی وجود ندارد و از آنجاکه کنترل عرضه پول از طریق کنترل پول پر قدرت محقق می‌شود، هیچ تأثیر منفی بر کنترل عرضه پول ندارد. تأمین امنیت سپرده‌های سرمایه‌گذاری و نقدینگی مناسب برای نظام بانکی از طریق «تقاضای سرمایه بیشتر و سازماندهی با تصمیم‌گیری درست و سازگاری که نسبت نقدینگی مناسب را تضمین کند، همراه با نظام فعال تحقیق بانکی امکان‌پذیر است که بهتر از بلوکه شدن سپرده‌ها جهت کاهش سود این سپرده‌ها در مقایسه با شکل‌های دیگر مشارکت خواهد بود. آفت شرط ذخیره قانونی این است که احتمال دارد سبب فرار سپرده‌های مضاربه از بانک‌های تجاری به مؤسسات مالی دیگر شده و بانک‌های تجاری را در وضعیت بدتری قرار دهد» (شابرآ، ۱۴۰۱: ۲۱۵ - ۲۱۷ و ۲۶۴ - ۲۶۸).

شایان ذکر است که محسن‌خان و محمد شوقی دنیا نیز ذخیره قانونی بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری را نفی می‌کنند (خان محسن و میرآخور، همان: ۶۹ و ۷۰؛ دنیا، ۱۴۰۴: ۶۰۲).

نتیجه

حاصل بحث در مورد بررسی فقهی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری متعارف مطابق دیدگاه امامیه و اهل سنت به شکل زیر خلاصه می‌گردد:

۱. جواز نظارت، کنترل و هدایت نظام بانکی توسط بانک مرکزی: انسان یک موجود اجتماعی است و زندگی اجتماعی نیز با کمک و همکاری متقابل انسان‌ها برای نیل به اهداف اجتماعی شکل می‌گیرد. بدیهی است که بشر در زندگی اجتماعی نیازمند قوانین و مقرراتی است که حقوق تک‌تک افراد و گروه‌های جامعه را در زمینه‌های گوناگون معین کرده و برای اصطکاک‌های که پیش می‌آید، راه‌حلهایی منطقی در سایه قانون ارائه دهد. اصل قانون و مقررات نیازمند ضمانت اجرا قدرتمندی است که ضمن احترام به آزادی، اجرای احکام و مقررات وضع شده را تضمین نماید.

طبق آموزه‌های اسلام، انسان‌ها در فعالیت‌های اقتصادی تا زمانی که مصالح سایر افراد و مصالح اجتماعی ضرر نبینند، از آزادی کامل برخوردار بوده و فرد در انتخاب شغل و کیفیت فعالیت آزاد هست و برای رعایت حقوق جامعه و افراد، به دولت حق داده شده تا بر تمام فعالیت‌های اقتصادی دولتی و خصوصی نظارت و کنترل داشته باشد (موسویان، ۱۳۸۰: ۷۹).

از این رو، تمام نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی و اقتصادی، از جمله بانک‌ها موظف‌اند ساختار اجرایی و مدیریتی به گونه‌ای طراحی شوند که همواره قابلیت نظارت، کنترل و هدایت آن‌ها از طرف دولت اسلامی بر اساس موازین شرعی و مصالح اسلام و مسلمانان فراهم گردد. بنابراین بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط، به‌عنوان نماینده دولت، بر فعالیت‌های نظام پولی با تصویب قوانین و وضع مقررات، فعالیت‌های بانک تجاری، مؤسسه‌های مالی اعتباری و سایر مؤسسه‌های پولی اعتباری حق کنترل و هدایت دارند.

۲. جواز فقهی فعالیت‌های بانک مرکزی: فعالیت‌های بانک مرکزی به دو بخش تقسیم

می‌شود:

الف) فعالیت‌های مربوط به دولت، مانند انتشار اسکناس و مسکوکات، صندوق داری دولت و حفظ ذخایر طلا و ارز کشور، در این موارد جواز چنین فعالیت‌هایی تابع مشروعیت خود دولت است. اگر دولت از جهت شرعی و قانونی مشروع باشد، فعالیت‌های بانک مرکزی به‌عنوان نماینده دولت نیز مشروع و قانونی خواهد بود.

ب) فعالیت در راستای بانک‌های تجاری و مؤسسه‌های مالی اعتباری، مانند نظارت، کنترل، برخورد با متخلفین و هدایت آن‌ها از طریق سیاست‌های پولی، این فعالیت‌ها از طریق بانک مرکزی به‌عنوان سیاست پولی مشکل شرعی ندارد. اما از این جهت که این فعالیت‌ها باید به دور از ربا باشد جای بحث داشت که دیدگاه‌های فقهای امامیه و اهل سنت در مورد آن مطرح گردید که از نظر امامیه بهره‌گیری از ابزارهای سیاست پولی چون تنزیل مجدد و ذخیره قانونی، در بانکداری بدون ربا منعی نداشت؛ ولی از نظر فقهای اهل سنت تنها ابزاری که می‌توان از آن در بانکداری بدون ربا استفاده کرد تغییر نرخ ذخیره قانونی است.

برآیند مطالب پیش‌گفته چنین است که بنا بر رأی مشهور فقهای امامیه و اهل سنت، سپرده‌های دیداری و پس‌انداز، ماهیت قرض را دارند. بنابراین، رابطه بین سپرده‌گذاران و بانک‌ها، بر مبنای قرض تعریف خواهد شد که در این صورت، بانک‌ها مالک سپرده‌ها شده، هر نوع فعالیت‌هایی را می‌توانند با آن‌ها انجام دهند و تنها نسبت به اصل سپرده‌ها ضامن هستند؛ اما در سپرده‌های سرمایه‌گذاری، این رابطه بر اساس وکالت یا شرکت شکل می‌گیرد که قلمرو اختیارات بانک را قرارداد مشخص می‌کند.

اگر رابطه بانک‌ها و بانک مرکزی، سپرده‌ها دیداری و پس‌انداز باشد رابطه قرض و با سپرده‌گذاری بانک نزد بانک مرکزی، بانک مرکزی مالک آن‌ها شده اختیار هر نوع تصرفی را دارد و پرداخت سود به بانک‌ها و صاحبان سپرده ربا و حرام خواهد بود. درباره سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌صورت وکیل، می‌تواند رابطه قرض یا شرکت باشد که در صورت اول در یافت زیاده ربا و حرام هست و در سپرده‌های اخیر (شرکت)، سود دریافتی پس از کسر حق

وکالت بانک، نصیب سپرده‌گذار خواهد شد.

چنانچه بانک مرکزی به منظور کنترل، هدایت و نظارت بر حجم نقدینگی در جامعه از طریق اعمال سیاست پولی در نرخ ذخیره قانونی تغییراتی ایجاد نماید، بر اساس قوانین بانکداری و نیز اینکه بانک مرکزی نماینده دولت هست به طور قانونی حق دارد طبق مصالح عمومی جامعه نسبت به ذخیره قانونی تغییراتی را ایجاد نماید و مشکل شرعی هم نخواهد داشت.

کتابنامه

- احمدی، حبیب‌الله، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۴.
- ارشید، محمود عبدالکریم احمد، الشامل فی معاملات و عملیات المصارف الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۴۲۷ق.
- امام خمینی، سید روح الله، تحرير الوسيله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، سوم، ۱۳۴۰.
- بروجردی، مرتضی، مستند عروة الوثقی، کتاب اجاره محاضرات سید ابوالقاسم خویی، قم، العلمية، بی تا.
- ترکمانی، عدنان خالد، السياسة النقدیه و المصرفیه فی الاسلام، عمان، مؤسسه الرسالة، ۱۹۸۸م.
- جارحی، معبد، نحو نظام نقدی و مصرفی اسلامی، القاهرة، الاتحاد الدولي للبنوك الاسلامیه، ۱۹۸۰.
- چاپرا، محمد عمر، النظام النقدي و المصرفي في الاقتصاد الاسلامي، مجلة ابحاث الاقتصاد الاسلامي، العدد الثاني، ۱۴۰۴ق.
- حسني، باقر، قلعاوي، غسان، المصارف الاسلامية ضرورة عصرية لماذا... ؟ و كيف...؟، دمشق، دارالمكتبي، ۱۹۹۶.
- حنفي، عبدالغفار و قرياقص، رسمية، الاسواق و المؤسسات المالية البنوك و شركات التأمين و البورصات و صناديق الاستثمار، مركز الاسكندرية للكتاب، ۱۹۹۹م
- دنیا، محمدشوقی، تمويل التنمية في الاقتصاد الاسلامي، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.
- رساله‌های عملیه مراجع تقلید بخش معاملات بانکی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.
- سالوس، علی احمد، حکم الودائع البنوك و شهادات الاستثمار في الفقه الاسلامي، الدوحة، دارالثقافة، الاولى، ۱۹۹۰.

_____ حکم ودائع البنوك و شهادات الاستثمار فی فقه الاسلامی، بی جا، مؤسسات روز الیوسف، ۱۴۰۲ق.

_____ ودائع البنوك عقد قرض شرعاً و قانوناً، مجلة الاقتصاد الاسلامی، العدد ۱۶، ۱۹۸۳.

سراج، محمداحمد، النظام المصرفی الاسلامی، القاهرة، دار الثقافة، ۱۹۸۹م.
سمحان، محمدحسین و مبارک، موسی عمر، محاسبة المصارف الاسلامیة، اردن، دار المسیر، الطبعة الاولى، ۱۴۲۹ق.

سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی الشرح القانون المدنی، بیروت، دار احیاء العربی، ۱۹۵۲.
شابرا، محمدعمر، نحو نظام نقدی عادل، القاهرة، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۰۱ق.

صدر، سید محمدباقر، البنك اللاربوی فی الاسلام، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات، چاپ هشتم، ۱۴۰۳ق.

ضیاء مجید، البنوك الاسلامیة، اسکندریه، مؤسسة شباب الجامعة، ۱۹۹۷م.
عبدالله امین، حسن، سپرده های نقدی و راه های استفاده از آن در اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
عبداللهی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.
عفر، محمد عبدالمنعم و مصطفی، احمد فرید، التحلیل الاقتصادي الجزی بین الاقتصاد الوصفی والاقتصاد الاسلامی، اسکندریه، مؤسسة شباب الجامعة، ۱۹۸۰.

عوض، علی جمال الدین، عملیات البنوك من جهة القانونیة، قاهره، دار النهضة، ۱۹۶۹م.
غریب، ناصر، الرقابة المصرفیة علی المصارف الاسلامیة، منهج فکری و دراسة میدانیة دولية مقارنة، القاهرة، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.

فراهانی فرد، سعید، سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا (بررسی فقهی - اقتصادی)، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۸.

_____ سیاست اسلامی در اسلام، قم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، دوم، ۱۳۸۶.

فرزینوش، اسدالله و فراهانی فرد، سعید، ذخیره قانونی بر سپرده های بانکی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۱.

- قانون التزامات و العقود المغربی، فصل ۸۶۱. به نقل از البنوك الاسلامیه و لجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الافتاء، المعاملات المصرفیه، مجلة البحوث الاسلامیه، العدد ۸، ۱۹۸۳.
- قحف، منذر، الاقتصاد الاسلامی، کویت، دارالقلم، ۱۹۷۹م.
- قلعاوی، غسان، حسنی، باقر، المصارف الاسلامیه ضرورة عصریه لماذا...؟ و کیف...؟، دمشق، دارالمکتبی، ۱۹۹۶م.
- کاشانی، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، مؤسسه آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
- محسن خان و میرآخور، مطالعات نظری در بانکداری و مالیّه اسلامی، محمد ضیائی بیگدلی، تهران، مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۰.
- محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم، ۱۴۰۸ق.
- مصری، رفیق یونس، الإسلام و النقود، جدة، جامعة الملك عبدالعزيز، مركز النشر العلمی، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ق.
- مصری، رفیق یونس، بحوث فی الاقتصاد الاسلامی، سوریه، دارالمکتبی، الاولى، ۱۴۲۱ق.
- موسویان، سید عباس، فقه معاملات بانکی، تحقیق آماده چاپ.
- _____، کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم، دارالثقلین، سوم، ۱۳۸۰.
- میر معزی، سید حسین، الگوی سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۸۴.
- _____، الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربا، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ۱۳۸۴.
- یوسف کمال، محمد، فقه الاقتصاد النقدي، القاهرة، دار الهدایة، ۱۹۹۳م.
- _____، فقه الاقتصاد النقدي، دارالصابونی - دارالهدایة، ۱۴۱۴ق.

